دوفصلنامهٔ علمی- پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی دانشکده علوم انسانی اسلامی و قدرت نرم دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)
سال پنجم، شمارهٔ ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴: ص ۹۵-۱۱۵

رهیافت‌های عملیات روانی آخرالزمانی سینمای هالیوود با رویکرد مهدویت‌ستیزی

معصومه کریمی*
دکتر احمد باصری**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۲۰
تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۲۸

چکیده

هالیوود مهم‌ترین مرکز فیلم‌سازی در دنیا و یکی از مؤثرترین عناصر فرهنگی صادراتی ایالت متحده امریکا به جهان خارج است. براساس پروتکل سیزدهم دانشمندان صهیونیسم «ما باید مردم را با وسایل و راه‌های گوناگون به لهو و لعب بکشانیم. پس از آن، مردم به تدریج نعمت اندیشه آزاد و مستقل را از دست می‌دهند و همگی با ما هم‌صدا می‌شوند؛ زیرا پس از آن، ما تنها اعضای جامعه‌ای هستیم که شایستگی ارائه برنامه‌های فکری جدید را داریم و آنها پیرو ما می‌شوند.» هالیوود با بهره‌گیری از جذابیت‌های فنی و محتوایی نقش مهمی در زمینه‌سازی و جاانداختن فرهنگ و ایدئولوژی غربی و از جمله طرح موضوع «پایان دنیا» دارد وسعی می‌کند با استفاده از عناصر تخیل، هیجان و شگفتی در سینمای هالیوود به بیننده بقبولاند که آینده جهان همان‌گونه خواهد بود که آنها به تصویر می‌کشند. از این رو، یکی از موانع قدرتمند در مقابل خود را مهدویت می‌داند و می‌کوشد با به‌کارگیری شیوه‌های عملیات روانی، از نگرانی خود (جهانی شدن تفکر مهدویت) بکاهد. در این مقاله، نگارنده به‌منظور شناخت شیوه‌های مذکور با مطالعه موردی فیلم سینمایی «آواتار» ساخته جیمز کامرون به بررسی فیلم، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان حاکم بر آن پرداخته است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که از مهم‌ترین رهیافت‌های اصلی عملیات روانی سینمای هالیوود، تبلیغ دین نوین جهانی و القای منجی بودن امریکاست که با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف آنها را القا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: *رهیافت، عملیات روانی، مهدویت، آخرالزمان، هالیوود، آواتار.*

---

* - نویسندهٔ مسئول: کارشناسی ارشد عملیات روانی دانشگاه جامع امام حسین(ع)
** - استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

سینمای هالیوود از ابتدای تشکیل تا شروع هزاره سوم میلادی برای تولید فیلم‌های سینمایی برحسب شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جوامع غربی، به‌ویژه امریکا و نیز رویدادها و تحولات جهانی، رویکردهای مختلفی داشته است. این نگاه‌ها و رویکردها معمولاً دستمایه مناسبی برای تولید فیلم‌های سینمایی دست‌اندرکاران هالیوود بوده است؛ به‌ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری دو قدرت جهانی، و شروع دوران جنگ سرد بین امریکا و شوروی [سابق]، سینمای هالیوود نسبت به جبهه خیر و شر، به‌ویژه در مورد مسائلی مثل نازیسم و کمونیسم رویکرد مبسوطی نشان داد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی اردوگاه شرق، تقابل با تمدن و تفکر اسلام اصیل ناب محمدی و انقلابی در قالب جبهه شر و مسئله آخرالزمان رویکرد جدید این سینما را تشکیل داده است. رویکرد آخرالزمان در فیلم‌های هالیوودی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و تا دهه آخر قرن بیستم نیز ادامه یافت. در این دهه دو نظریه جدید مطرح شد که بر سینمای هالیوود نیز تأثیر داشت: یکی، نظریه «نظم نوین جهانی» جورج بوش پدر و دیگری، «پایان تاریخ» فوکویاما، نظریه‌پرداز امریکایی ژاپنی‌الاصل که به نحوی، نیت سیاسی غرب در جهانی شدن و ایجاد یک فرهنگ جهانی و تحمیل آن بر جهان را نشان می‌داد (صفاتاج، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

براساس نظریه فوکویاما «شیعه پرنده‌ای است که دو بال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ.» بال سبز شیعه همان فلسفه انتظار یا عدالت‌خواهی است و بال سرخ شیعه، شهادت‌طلبی است که در کربلا ریشه دارد و شیعه را فناناپذیر کرده است. فوکویاما «سینما» را یکی از ابزارهای این نظریه نامید که می‌تواند به نابودی مقاومت شیعه کمک کند و از سینمای هالیوود خواست تا در تولیداتش به خلق فرهنگی جایگزین برای اسلام بیندیشد. حتی بعدها در سال ۲۰۰۲ که ری دلی اسکات فیلم «سقوط شاهین سیاه» را برای پنتاگون ساخت، تحلیلگران گفتند که این فیلم براساس همان تئوری فوکویاما ساخته شده است (علوی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

بیان مسئله

«فیلم‌سازی» یکی از مهم‌ترین روش‌های غرب برای زمینه‌سازی و جا انداختن فرهنگ، جهان‌بینی غربی و طرح موضوع «پایان دنیا» است. در این نوع فیلم‌سازی، با استفاده از ژانر یا گونه

Archive of SID

www.SID.ir

علمی – تخیلی، سعی شده تا با استفاده از هیجان و شگفتی به تماشاگر و بیننده بقبولانند که آینده جهان همان‌گونه خواهد بود که آنها ترسیم کرده‌اند (علوی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۲).

قصد هالیوود ماندگار ساختن ترس و وحشت ناشناخته و هولناک عظیم در دیدگاه مخاطب ساده و بی‌دفاع است و از این طریق می‌خواهد تعابیر اصلی آخرالزمانی ناشی از کتب غیر آسمانی مانند تلمود را به مخاطب القا کند. مسئله حضور منجی، نحوه پرداخت آن و مسئله آخرالزمان، بلایا و مصیبت‌های قبل از ظهور جنگ در لابه لای این فیلم‌ها متجلّی است و نقطه کشش مخاطبان نیز همین جاست (علوی طباطبایی، ۱۴۵:۱۳۸۶).

طی سال‌های اخیر، عموم آثاری که با موضوع و محتوای «آپوکالیپس» - آخرالزمان ـ به نمایش درآمده «بحران‌های سخت، تهدیدکننده و دهشتناک» را محور اصلی گفت‌وگوی خود قرار داده‌اند. اگرچه تولید این آثار به دلیل وجود «عنصر گره و جاذبه» در داستان فیلم و رویکرد سینمای یهودی به فردا، عمری به درازای تاریخ سینما دارد؛ آرایش آخرالزمان هالیوود وجه دیگری از این آثار را بیان می‌کند. آقای جان هیلکوت، کارگردان فیلم جاده، درباره تفاوت این آثار می‌گوید: فرق بزرگ فیلم‌های آخرالزمان جدید با محصولات قدیمی در این است که «فیلم‌های جدید، مجموعه‌ای از مشکلات را به نمایش می‌گذارند و تنها به بحث دربارهٔ یک مسئله نمی‌پردازند» (سروستانی، ۱۳۸۷). آثار سینمایی، همه ساکنان شرق و غرب عالم را مهیّای حوادث شوم و بحران آپوکالیپتیک می‌کنند و در لابه‌لای اثر به همه متذکّر می‌شوند که اولاً، در این فاجعه جهانی، دیّار البشری دخالت ندارد، ثانیاً، این فاجعه جهانی محتوم است و گریزی از آن نیست؛ ثالثاً، ابعاد فاجعه جهانی بسیار زیاد است.

بحران‌سازی در سایر مناطق جهان، یکی از روش‌های شناخته‌شده سران نظام استکباری برای انتقال بحران از جغرافیایی غرب به سایر نقاط است. چنان‌که از مضامین «پروتکل‌های دانشوران صهیون» و همچنین عملکرد تجربه‌شدهٔ فراماسونرها و کانون توطئه جهانی برمی‌آید، استفاده از این راهبرد تنها به عنوان «آخرالدّوا» شناخته می‌شود، زیرا همه مطالعات و برنامه‌های کلان اجراشده، حاکی از آن است که تزریق تدریجی سم (امانیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم و هیدرونیسم) در پیکر فرهنگ‌ها و تمدّن‌های غیرغربی، چنان صید گرفتار در دام فرهنگ و تمدّن غربی را آلوده و بی‌جان می‌کند که تأسیس و اعلام حکومت جهانی اشرار یهود بی هیچ مقاومتی حادث خواهد شد

Archive of SID

www.SID.ir

(سروستانی، ۱۳۸۷).

با توجه به موارد، فوق این‌گونه استنباط می‌شود که هالیوود به‌منظور نهادینه کردن و تثبیت باورهای خود در نزاع با مهدویت و تلاش در راستای تضعیف این باور در تفکر مسلمانان و شیعیان به عنوان قدرتمندترین رقیب در برابر بسط نظریه پایان تاریخ، از نمادها و سمبل‌های رسانه‌ای که ردپای آن را در کتب تحریف‌شده صهیونیسم و پروتکل‌های جهانی می‌توان یافت، حداکثر بهره را برده است. از این رو جای پرسش است که هالیوود در تولیدات سینمایی خود با رویکرد آخرالزمانی و مهدویت‌ستیزی از چه رهیافت هایی بهره می‌گیرد و برای القای اهداف خود از چه تکنیک هایی استفاده می‌کند.

هدف تحقیق

شناخت عملیات روانی آخرالزمانی سینمای هالیوود با رویکرد مهدویت‌ستیزی

سؤالات اصلی تحقیق

رهیافت‌های عملیات روانی سینمای هالیوود علیه مهدویت چیست؟

تاکتیک‌های عملیات روانی سینمای هالیوود علیه مهدویت چیست؟

سؤالات فرعی تحقیق

- میزان تعیین سبک زندگی منطبق بر طبیعت‌پرستی براساس دین نوین جهانی در قالب فیلم آواتار چقدر است؟
- چه میزان از فیلم نشان‌دهنده انطباق نحوه انتخاب، آموزش، سیر منجی و یاری شدن منجی (جیک) با فرقه‌های انحرافی است؟
- میزان برجسته کردن زندگی دوم و جهان موازی در فیلم چقدر است؟
- میزان جدال بین دو دنیا به صورت جمعی و فردی چقدر است؟
- در این فیلم چه میزان از نمادهای ادیان و فرق مختلف استفاده شده است؟
- میزان خرافه‌گرایی و ترویج خرافه‌پرستی در فیلم چقدر است؟

Archive of SID

www.SID.ir

- در فیلم تا چه میزان شاهد القای وحشت، ناامنی و ظلم هستیم؟
- میزان معرفی جیک به عنوان فردی نترس، احمق و با اعتمادبه‌نفس در فیلم چقدراست؟
- میزان وابستگی به فناوری مصنوع انسان در فیلم چقدر است؟
- میزان بهره‌گیری از روش‌های جنگ سخت، در فیلم چقدر است؟
- میزان هم‌ذات‌پنداری مخاطب در فیلم چقدر است؟

تعریف مفاهیم

رهیافت: راه پرداختن به یک مسئله یا شیوهٔ تفکر دربارهٔ آن.

عملیات روانی: فرایند بهره‌برداری صحیح و طراحی‌شده از تبلیغات و سایر ابزارهایی که هدف اصلی آن نفوذ در عقاید، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان (افراد دشمن، بی‌طرف وهم‌پیمان)و تأثیرگذاری در آنان برای دستیابی به اهداف و مقاصد مورد نظر است (شیرازی، ۱۳۸۰، ص۱۸).

مهدویت: اعتقاد به نهضت حتمی یک رهبر آسمانی از دودمان نبوی که پیش از پایان جهان، برای نجات آدمیان و تجدید حیات مادی و معنوی آنان به پا می‌خیزد و بر پهنه زمین چیره می‌شود.

مهدویت نگریستن به موضوع ظهور امام زمان (عج) و حکومت جهانی ایشان به عنوان یک نظریه جامع و فراگیر برخاسته از آموزه‌های وحیانی (قرآن و سنت) است. این موضوعات تمام معارف دربارهٔ امام مهدی (عج)، مهدویت به طور خاص و منجی موعود به طور عام را دربر می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۰: ۳۱).

آخرالزمان: آخرالزمان اصطلاحی است که در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا دیده می‌شود و در ادیان ابراهیمی از اهمیت و برجستگی ویژه برخوردار است. عقاید مربوط به آخرالزمان بخشی از مجموعه عقایدی است که به پایان این جهان و پیدایش جهان دیگر مربوط می‌شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی‌هایی کرده‌اند (موسوی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۳۴).

هالیوود: هالیوود با عنوان قطب برنامه‌سازی تصویری امریکا، مجموعه‌ای از شرکت‌های سودآور امریکایی بوده که از آغازین سال‌های ظهور صنعت سینما، در دهکده هالیوود به تولید فیلم‌های سینمایی پرداختند، اما به مرور زمان نام آن معادل تمامی صنعت سینمای امریکا شد

Archive of SID

www.SID.ir

(تامسون، ۱۳۸۳: ۶۴). محبوبیت هالیوود از طریق عرضه ایدئولوژی دموکراسی تحقق‌یافته است که از تأکید بر باز بودن جامعه امریکا فراتر می‌رود و در واقع، با استفاده از روش‌های اقناعی این باور را در مخاطبان ایجاد می‌کند که به امریکایی بودن و فضیلت‌های خوشایند آن ببالند و بنازند. وقتی این طرح به صادرات تبدیل می‌شود، امریکا را به شدت جذاب و حسرت‌انگیز نشان می‌دهد (سمتی، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

چارچوب نظری

نظریه امپریالیسم فرهنگی بیانگر این است که یک کشور قدرتمند در سطحی وسیع از ابزارهای فرهنگی برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی امپریالیسم(ویا حمایت از آن) استفاده می‌کند؛ اهدافی که در طول تاریخ از طریق نیروی نظامی و اشغال به دست می‌آمد. در این دیدگاه، ابزارهای فرهنگی می‌توانند راه را برای سلطه بر مردم از طریق در معرض قرار دادن آنها نسبت به سبک زندگی برای ایجاد اشتیاق و آرزو در آنها، محصولات و کالاها برای ایجاد میل در آنها و حتی [ارائه] تابعیت، هموار کنند.

نام برجسته‌ترین فرد در ارتباط با تز امپریالیسم فرهنگی، «هربرت شیلر» است. او در حیطه ارتباطات جمعی و امپراتوری امریکا اظهار داشت: «به طور مستقیم از طریق کنترل اقتصادی و به طور غیرمستقیم از طریق تجارت و اثر تقلید خارجی، ارتباطات به عنصر تعیین‌کننده‌ای در گسترش قدرت جهانی ایالات متحده تبدیل شده‌اند» (۱۹۶۹: ۱۶۳). شیلر مجموعه چهارم یک ادعای اساسی شارحان امپریالیسم فرهنگی را تنظیم کرد مبنی بر اینکه فعالیت‌هایی که برچسب امپریالیسم فرهنگی خورده‌اند، تهدیدی برای تمامیت فرهنگی جوامع ضعیف که میراث ملی، منطقه‌ای، محلی و یا قبیله‌ای آنها شروع به انقراض کرده است، ایجاد می‌کنند (۱۹۶۹: ۱۰۹).

در کتاب *ارتباطات و سلطه فرهنگی*، شیلر اصطلاح «امپریالیسم فرهنگی» را به‌کار برد و آن را «پروسه‌ای تعریف کرد که جامعه برای نظام جهان مدرن به ارمغان آورده است». او ادعا کرد که رسانه‌های جمعی، ابزار اصلی برای «شکل دادن به نهادهای اجتماعی برای مطابقت دادن و یا حتی ترویج ارزش‌ها و ساختار مرکز مسلط سیستم هستند» (۱۹۷۶: ۹). از دیدگاه شیلر، این عمل عمدی بوده و دولت ایالات متحده و بخش تجارت آن اقدام به تحلیل ارزش‌ها و نهادهای کشورهای در

Archive of SID

www.SID.ir

حال توسعه و موسسات به نفع اهداف ایالات متحده کرده است.

این نظریه، واکنشی در برابر نظریات دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در مورد نقش رسانه‌ها در توسعه ملی بود. هربرت شیلر به نقل از ایمانوئل والرشتاین برای امپریالیسم فرهنگی مشخصاتی ارائه کرده است: «واژه امپریالیسم فرهنگی نشان‌دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن کشوری اساس تصورات، ارزش‌ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند.» موقعی که کشوری می‌کوشد نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در کشوری دیگر گسترش بخشد، طبیعتاً باید انتظار داشت که نفوذ فرهنگی خویش را نیز در آنها رواج دهد. اگر این نفوذ به طور متقابل بین کشورها صورت گیرد، مبادله فرهنگی است، اما اگر فرهنگ یک کشور مرکزی به طور یک‌جانبه به کشورهای تحت استیلای او و به ضرر تمامیت فرهنگی آنها تحمیل شود، امپریالیسم فرهنگی مصداق می‌یابد (معتمدنژاد، ۱۳۷۵: ۳).

عنوان امپریالیسم رسانه‌ای همراه امپریالیسم مجازی رسانه‌های دیجیتالی است که آنها را با استفاده از امواج رادیو و تلویزیون به اتاق نشیمن، اتاق خواب و نیز رستوران و اتومبیل مورد علاقه‌تان ارسال می‌کنند. اینترنت فرصت مناسبی برای کشورهای توسعه‌یافته (به‌ویژه امریکا) فراهم کرده است تا فرهنگ کشورهای جهان سوم را تسخیر کنند.

«هلد» می‌گوید که حضور قدرتمند شرکت‌های رسانه‌ای بین‌المللی مشاهده می‌شود. او نشان داد که حدود ۲۰ تا ۳۰ شرکت بین‌المللی به گسترش بخش زیادی از بازار ارتباطات و سرگرمی در جهان می‌پردازند. تمام این شرکت‌ها در کشورهای جهان اول هستند. سهم و مقام این کشورها در زمینه تولید فیلم‌های سینمایی و ویدئویی، تولید فیلم‌های تلویزیونی و مالکیت بر کانال‌های تلویزیونی دیجیتالی، کابلی، ماهواره‌ای و سرزمینی، موسیقی، رادیو، روزنامه، مجلات، انتشار کتاب، دسترسی به اینترنت و نشر الکترونیکی و نیز سایر منافع تجاری است. این بنگاه‌های اقتصادی مانند هر سلسله‌مراتب به‌هم‌تنیده به دنبال راه‌های همکاری هستند تا در کنار هم کار کنند و بر قدرتشان بیفزایند؛ قدرتی که به نیروی اصلی برای شکل دادن به زندگی انسان معاصر تبدیل شده است. این رسانه‌های بزرگ هیئت مدیره مشابهی دارند وبه طور مشترک در کسب و کاری پر مخاطره سرمایه‌گذاری می‌کنند و در عمل، به هم پول قرض می‌دهند یا داراییشان را رد و بدل می‌کنند و زمانی که برای هر دو سودبخش باشد، در مسیرهای مشابهی گام برمی‌دارند (باگدیکیان،

Archive of SID

www.SID.ir

(۱۳۸۵).

اغلب کشورهای دنیا، با عنوان جهانی شدن، با تهدید فیلم‌های هالیوودی روبه‌رو می‌شوند. تنها ایستادگی لازم در این موقعیت، مقاومت در برابر امپریالیست فرهنگی امریکا نیست، بلکه این کشورها باید با میهن‌پرستان افراطی نیز مواجه شوند. همچنین حفاظت از روح ملی تنها وظیفه آنها نیست، بلکه باید به برقراری رابطه با تمدن‌های مختلف بپردازند. امپریالیسم محصول سرمایه‌داری انحصاری غرب در اواخر قرن نوزدهم است که برای بقا، به تهاجم و گسترش نیاز دارد. هدف اصلی از بنیان‌گذاری امپریالیسم، سلطه کشورهای غربی توسعه‌یافته بر کل دنیا بود. برای رسیدن به این هدف، کشورهای مذکور راهبردهای مختلفی را به‌کار گرفتند. پیش از جنگ جهانی دوم، راهبرد امپریالیست، تهاجم و استعمار بود. با افشای این راهبرد پس از جنگ جهانی دوم و پیدایش جنبش‌های ضدامپریالیست، کشورهای توسعه‌یافته غربی راه دیگری را برای استعمار در پیش گرفتند؛ که این همان «کنترل اقتصاد و فرهنگ در کشورهای در حال توسعه» است. امپریالیسم فقط منحصر به اقتصاد و سیاست نیست، بلکه امپریالیسم فرهنگی نیز وجود دارد (اسلام، ۱۳۹۳).

پیشینه تحقیق

الف) یکی از پژوهش‌هایی که در زمینه‌ای مشابه با این موضوع کار شده است، «مطالعه‌ای جامعه‌شناسانه درباره سینمای آخرالزمانی هالیوود از زمان جنگ سرد تاکنون و تأثیر اعتقادات مسیحی در روی این‌گونه سینما» است که آقای شاهین مهاجر سلیمانی در دانشکده هنر دانشگاه اصفهان انجام داده است. سؤال اصلی این پژوهش، دلایل توجه و استقبال از این‌گونه سینما فراتر از پیشرفت‌های فنی در جامعه امریکایی است و دیگر اینکه این فیلم‌ها چگونه جنبه‌هایی از مسائل اجتماعی معاصرشان را بازتاب می‌دهند. این پژوهش با اتخاذ روش تحلیل به عنوان یکی از روش‌های رویکرد جامعه‌شناسانه، سینمای آخرالزمان امریکا را بازتاب‌دهنده جنبه‌هایی از جامعه مبدأ خود در نظر گرفته است.

ب) پژوهش دیگر رساله دکتری با موضوع «صهیونیسم مسیحی، نقشه راه به سوی آرماگدون» است که توسط آقای استیون سایزر، پاپ اعظم کلیسای ویرجنیاواتر و از بنیان‌گذاران انجمن مطالعات صهیونیسم مسیحی انجام گرفته است. این رساله عوامل مهم تاریخی، کلامی و

Archive of SID

www.SID.ir

سیاسی مؤثر در گسترش صهیونیسم مسیحی امریکا و بریتانیا را از سال ۱۸۰۰ ارزیابی و به بررسی روش‌هایی می‌پردازد که صهیونیسم‌های مسیحی بدان وسیله حمایت متعصبانه خود را از کشور اسرائیل، انزجار شدیدشان از فلسطینی‌ها و تأثیر نامطلوب خود بر روند صلح خاورمیانه را توجیه می‌کنند. اما تفاوت این تحقیق با پژوهش‌های پیشین در این است که تلاش شده روش‌های راهبردی که سینمای هالیوود علیه مهدویت و با هدف بر افزایش جذابیت فیلم‌ها و جذب بیشتر مخاطب به کار می‌گیرد و در فیلم‌ها استفاده می‌کند، احصاء و معرفی شوند.

روش‌شناسی تحقیق

از منظر روش‌شناختی این مطالعه در زمره مطالعات تحلیلی از نوع تحلیل محتوا کیفی طبقه‌بندی می‌شود. تحلیل محتوا، روشی است که امکان مقایسه تطبیقی را بین پیام‌هایی که تولیدشده در یک مقطع یا زمان‌های گوناگون فراهم می‌کند؛ و برخلاف تحقیق پیمایشی و نظایر آن، افراد به طور مستقیم مورد بررسی و تحلیل قرار نمی‌گیرند، بلکه پیام‌هایی که تولید می‌کنند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جامعه آماری این پژوهش تولیدات سینمایی هالیوود دارای رویکرد آخرالزمانی است، اما در اینجا فیلم سینمای هالیوودی آواتار[۱] به نویسندگی و کارگردانی جیمز کامرون به عنوان نمونه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این فیلم با موضوع علمی- تخیلی در تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹ به نمایش درآمد که به زعم اکثر کارشناسانی که با موضوع آخرالزمان آشنایی دارند، مفاهیم آخرالزمانی به وفور در آن یافت می‌شود. با توجه به موضوع پژوهش، نمونه تحقیق با جامعه آماری یکسان است.

در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات، فرم کدگذاری تهیه، تکمیل و میزان فراوانی تعیین شد. همچنین جدول توزیع فراوانی ترسیم و با مشخص کردن میزان درصد هر عنوان، از طریق آزمون کای اسکوئر داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل نتایج و یافته‌ها به سؤالات تحقیق نیز پاسخ داده شد.

واحد تحلیل این مقاله سکانس است. سکانس، یک فصل از فیلم‌نامه است که می‌تواند از یک یا چند صحنه تشکیل شود و یک موضوع را دنبال می‌کند که با پایان یافتن آن موضوع

Archive of SID

www.SID.ir

سکانس نیز عوض می‌شود (ویکی پدیا).

سنجش روایی

از آنجا که تحقیق به صورت تحلیل محتواست، فرم کدگذاری با عناوین مختلف تهیه و روایی آن نیز توسط کارشناسان تأیید شد.

سنجش ضریب قابلیت اعتماد (پایایی)

محاسبه ضریب قابلیت اعتماد از طریق فرمول سنجش ضریب اعتماد اسکات سنجیده می‌شود فرمول

$$\pi = \frac{P_o - \mathrm{P_e}}{1 - \mathrm{P_e}}$$

با انتخاب ۱۰٪ داده‌ها به همراه تعاریف عملیاتی برای کدگذاری به سه پژوهشگر داده شد در نتیجه، در هر نوبت کدگذاری توافق کدگذاری کامل بوده است. کدگذاری‌ها مشابه هم و۱۰۰٪ انطباق بین آنها بوده است.

داستان فیلم

داستان آواتار جیمز کامرون، داستانی است که در سال ۲۱۵۴ میلادی اتفاق می‌افتد. انسان‌های جنگ‌طلب زمینی پس از رسیدن به اهدافشان در کره زمین و نابودی بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌های غنی بشری و ویرانی محیط زیستشان، مشغول تشکیل مستعمرات در اقمار ستاره رجل قنطورس هستند. سیاره پاندورا یکی از این اقمار است که تنوع خارق‌العاده‌ای از حیات وحش فرازمینی دارد که محیط فیزیکی آن کاملاً در تضاد با طبیعت فیزیکی انسان است. آنچه باعث شده است انسان‌ها به طرف این سیاره کشیده شوند، وجود یک عنصر طبیعی بسیار قیمتی به نام «آن‌آبتینیوم» (به معنی عنصر نایاب) است. این کانی مرموز دارای خواص عجیبی است، به گونه‌ای که باعث اختلال در میدان‌های مغناطیسی می‌شود. صحنه‌های کوه‌های معلق در فضای سیاره پاندورا که در واقع به واسطه وجود همین کانی مرموز است، حکایت از اهمیت خارق‌العاده آن دارد که انسان‌ها به دنبال دستیابی به آن هستند. پاندورا سیستم زندگی نامتعارفی دارد. این

Archive of SID

www.SID.ir

جهان تخیلی با داشتن طبیعتی بی‌نظیر و تمدنی اساطیری همچون مدینه‌ای فاضله مورد توجه دانشمندان حوزه‌های مختلف علمی است. ساکنان این سیاره موجوداتی شبه انسانی هستند به نام ناوی که از نظر پیشرفت تکنولوژیکی و فنی در سطح پایین‌تری نسبت به انسان زمینی قرار دارند و (با ترمینولوژی مردم‌شناسی استعماری) وحشی نام گرفته‌اند؛ هرچند از دید انسان‌شناسی پسااستعماری دارای فرهنگی غنی هستند و در تعادلی کامل با محیط اطرافشان قرار دارند. این تعادل از طریق یک رشته سیستم عصبی مشترک یا همان نقاط نورونی در گیسوان ناوی‌ها با سه متر قد و سایر موجودات بین ناوی‌ها و سایر موجودات این سیاره برقرار می‌شود. این سیستم عصبی مشترک، موجب تعادل کامل در این سیاره می‌شود و همزیستی مسالمت‌آمیزی را در عالم هستی به نمایش می‌گذارد. همین سیستم متعادل زندگی نامتعارف است که انسان‌های زمینی را تحت تأثیر قرار داده و تمام سیستم‌های علمی موجود در زمین را متأثر ساخته است. چیزی که درنوردیدن مرزهای علم و عرفان نام گرفته است. جیک سولی (سام ورتینگتن) بازیگر نقش اصلی فیلم، یک سرباز معلول جنگی بر روی ویلچر است که هنگام خدمت در ارتش امریکا ار ناحیه دو پا به طور کامل فلج شده است. او مأموریت دارد در میان ساکنان پاندورا (ناوی‌ها) نفوذ کند. به همین دلیل، گروهی از دانشمندان در آزمایشگاه بدن‌های ناوی مصنوعی خلق می‌کنند. این پروژه در مجموع اواتار نام دارد. موجودات خلق شده در آزمایشگاه با خوداگاهی انسانی که در واقع، در حکم راننده و خلبانان هستند و در درون این ناوی‌های مصنوعی تزریق می‌شوند، حرکت و عمل می‌کنند. ناوی‌های مصنوعی مأموریت دارند تا در میان ناوی‌های بومی نفوذ کرده، با ارسال اطلاعات به مرکز فرماندهی موجبات شناخت بیشتر انسان‌های زمینی از ناوی‌ها و پاندورا را فراهم سازند؛ همان چیزی که در دوران مردم‌شناسی استعماری، استعمارگران با استخدام و فرستادن مردم‌شناسان به میان قبایل بومی برای شناسایی فرهنگ واداب و رسوم آنها انجام می‌دادند؛ هرچند خیلی زود مردم‌شناسان خود را از این جریان خارج کردند، در فیلم حاضر می‌توان کارکرد آن جریان را به وضوح دید. «جیک سولی» یکی از افرادی است که برای این مأموریت انتخاب می‌شود. اوطبق مأموریتش سعی در رخنه کردن در بومیان و کشف رموز و اطلاعات سری آنان دارد. در ابتدا، مأموریت او با کمک به یک مذاکره برای سکونت مسالمت‌آمیز موجودات بومی و انسان‌های زمینی استعمارگر، صلح‌آمیز به نظر می‌رسد. چند شرکت فنی بزرگ برای به‌دست

Archive of SID

www.SID.ir

آوردن عنصر قیمتی ان ابتینیوم به پاندورا آمده‌اند، هرچند داستان فیلم کاربرد این ماده را برای تماشاگران مشخص نمی‌سازد، شخصیت‌های منفی فیلم به آن نیاز دارند و برای به‌دست آوردنش حاضرند ساکنان سیاره را قتل عام کنند. در این بین، جیک سولی تنها کسی است که امیدوار است وضعیت را تغییر دهد و از بروز یک جنگ به ظاهر اجتناب‌ناپذیر جلوگیری کند. لذا او به همراه یک گروه به اعماق پاندورا می‌روند، اما اوگروه را گم می‌کند و در بحبوحه نبرد برای بقای خود با موجودات پاندورا به طور اتفاقی با نیتیری، شاهزاده و دختر رئیس قبیله ناوی‌ها آشنا می‌شود که قادر است رسوم و مهارت‌های قبیله خود را به او آموزش بدهد. با گذشت زمان، او به دختر رئیس قبیله احساس علاقه می‌کند، عشقی که به تردید او در وفاداری به انسان‌های زمینی منجر می‌شود. او پس از زیستن در کنار این موجودات غیرزمینی با دیدن آن همه زیبایی، تکامل و تعادل به مظلومیت و حقانیت این موجودات پی می‌برد و با عشقی فرازمینی به دختر رئیس قبیله، از هم‌نوعانش بریده، برای حفظ این نژاد، تمدن و محیط زیستشان با کمک تیم محققان به مبارزه با ارتش و دشمنان این قوم، یعنی هم‌نوع خودش می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش و تحلیل

الف) تبلیغ دین نوین جهانی

عنوان	تبیین زندگی منطبق بر طبیعت پرستی				نحوه انتخاب و... منجی منطبق بر فرقه‌های انحرافی			برجستگی جهان موازی			جدال بین دو دنیا			استفاده از نمادهای ادیان مختلف			ترویج خرافه پرستی		
	آشکار	پنهان	سایر	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی
فراوانی	۱۵	۱۵	۶	۵۰	۱۴	۸	۶۴	۶	۹	۷۱	۳	۴	۷۹	۳۰	۳	۵۳	۳	۱	۸۲
درصد	۱۷/۵	۱۷/۵	۷	۵۸	۱۶/۲۸	۹/۳۰	۷۴/۴۲	۷	۱۱	۸۲	۳/۴۹	۴/۶۵	۹۱/۸۶	۳۵	۳/۵	۶۱/۵	۳/۵	۱	۹۵/۵
X^2	۵۲/۸۶				۹۳/۶۳			۹۴/۱۳			۱۳۲/۶			۴۳/۷۸			۱۴۹/۲۴		

میزان تبیین سبک زندگی منطبق بر طبیعت‌پرستی براساس دین نوین جهانی چقدر است؟

Archive of SID

www.SID.ir

از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۱۷/۵ درصد به طور آشکار و ۱۷/۵ درصد از اسلایدهای به صورت پنهان به تبیین سبک زندگی منطبق بر طبیعت و ۷ درصد به سایر سبک‌های زندگی پرداخته و ۵۸ درصد به هیچ سبک زندگی نپرداخته است. با توجه به میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۵۲/۸۶ است و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۱۱/۳۴) می‌باشد، نتیجه‌گیری می‌کنیم، این تفاوت‌ها معنادار است.

چه میزان از فیلم نشان‌دهنده انطباق نحوه انتخاب، آموزش و یاری شدن منجی با فرقه‌های انحرافی است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۱۶/۲۸ درصد به طور آشکار و ۹/۳۰ درصد به صورت پنهان به نحوه انتخاب، عضویت، آموزش ویاری شدن منجی در فرق مختلف پرداخته‌اند و ۷۴/۴۲ درصد از اسلایدها خنثی هستند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۹۳/۶۳ است و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

میزان برجسته کردن زندگی دوم و جهان موازی در فیلم چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۷ درصد به طور آشکار و ۱۱ درصد از اسلایدها به صورت پنهان به برجسته کردن زندگی دوم و جهان موازی پرداخته و ۸۲ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۹۴/۱۳ و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

میزان جدال بین دو دنیا به صورت جمعی و فردی چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۳/۴۹ درصد به طور آشکار و ۴/۶۵ درصد از اسلایدها به صورت پنهان به بهره‌گیری از فنون جنگ سخت پرداخته و ۹۱/۸۶ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۱۳۲/۶ است و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این

Archive of SID

www.SID.ir

تفاوت‌ها معنادار است.

در فیلم چه میزان از نمادهای ادیان و فرق مختلف استفاده شده است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۳۵ درصد به طور آشکار و ۳/۵ درصد به صورت پنهان از نمادها و نشانه‌های ادیان و فرقه‌های انحرافی در گفتمان خود بهره گرفته و ۶۱/۵ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۴۳/۷۸ است که بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

میزان خرافه‌گرایی و ترویج خرافه‌پرستی در فیلم چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۳/۵ درصد به طور آشکار و ۱ درصد از اسلایدها به صورت پنهان به خرافه‌گرایی و ترویج خرافه‌پرستی پرداخته و ۹۵/۵ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۱۴۹/۲۴ است و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

ب) القای منجی بودن امریکا

عنوان	القاءظلم و وحشت			معرفی منجی به عنوان فردی احمق			وابستگی انسانها به فناوری مصنوع			هم‌ذات پنداری مخاطب				استفاده از روشهای جنگ سخت		
	آشکار	پنهان	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی	آشکار	پنهان	خنثی	مثبت	منفی	خنثی	هیچ	آشکار	پنهان	خنثی
فراوانی	۱۲	۱۴	۶۰	۱۰	۵	۷۱	۸	۴	۷۴	۴۲	۱۵	۸	۲۱	۱۶	۷	۶۳
درصد	۱۴	۱۶	۷۰	۱۲	۶	۸۲	۹	۵	۸۶	۴۹	۱۷/۵	۹/۵	۲۴	۱۹	۸	۷۳
X^2	۵۱/۵۵			۹۴/۴۱			۱۰۸/۰۴			۲۹/۹۸				۶۳/۲۲		

در فیلم تا چه میزان شاهد القای وحشت، ناامنی و ظلم هستیم؟

Archive of SID

www.SID.ir

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۱۴ درصد به طور آشکار و ۱۶ درصد از اسلایدها به صورت پنهان به القای وحشت، ناامنی و ظلم پرداخته و ۷۰ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۵۱/۵۵ و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

میزان معرفی جیک به عنوان فردی نترس، احمق و بااعتمادبه‌نفس در فیلم چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۱۲ درصد به طور آشکار و ۶ درصد به صورت پنهان، منجی را فردی نترس، احمق و متکی به نفس معرفی کرده و ۸۲ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۹۴/۴۱ است و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

میزان وابستگی به فناوری مصنوع انسان در فیلم چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۹ درصد به طور آشکار و ۵ درصد به صورت پنهان به وابستگی انسان‌ها به فناوری مصنوع خود پرداخته و ۸۶ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۱۰۸/۰۴ و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

میزان بهره‌گیری از روش‌های جنگ سخت، در فیلم چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی، ۱۹ درصد به طور آشکار و ۸ درصد از اسلایدها به صورت پنهان به بهره‌گیری از روش‌های جنگ سخت پرداخته و ۷۳ درصد از اسلایدها به این موضوع نپرداخته‌اند. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۶۳/۲۲ است و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۲ (۹/۲۱) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

Archive of SID

www.SID.ir

میزان هم‌ذات پنداری مخاطب در فیلم چقدر است؟

در این فیلم، از مجموع ۸۶ اسلاید مورد بررسی ۴۹ درصد مثبت و ۹/۵ درصد خنثی بوده است و در ۱۷/۵ درصد از اسلایدها هم‌ذات پنداری منفی و در ۲۴ درصد اسلایدها هم‌ذات پنداری وجود نداشته است. میزان کای اسکوئر به‌دست‌آمده، معادل ۲۹/۹۸ و بیشتر از مقدار بحرانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد با درجه آزادی ۳ (۱۱/۳۴) است که نشان می‌دهد این تفاوت‌ها معنادار است.

مدل مفهومی

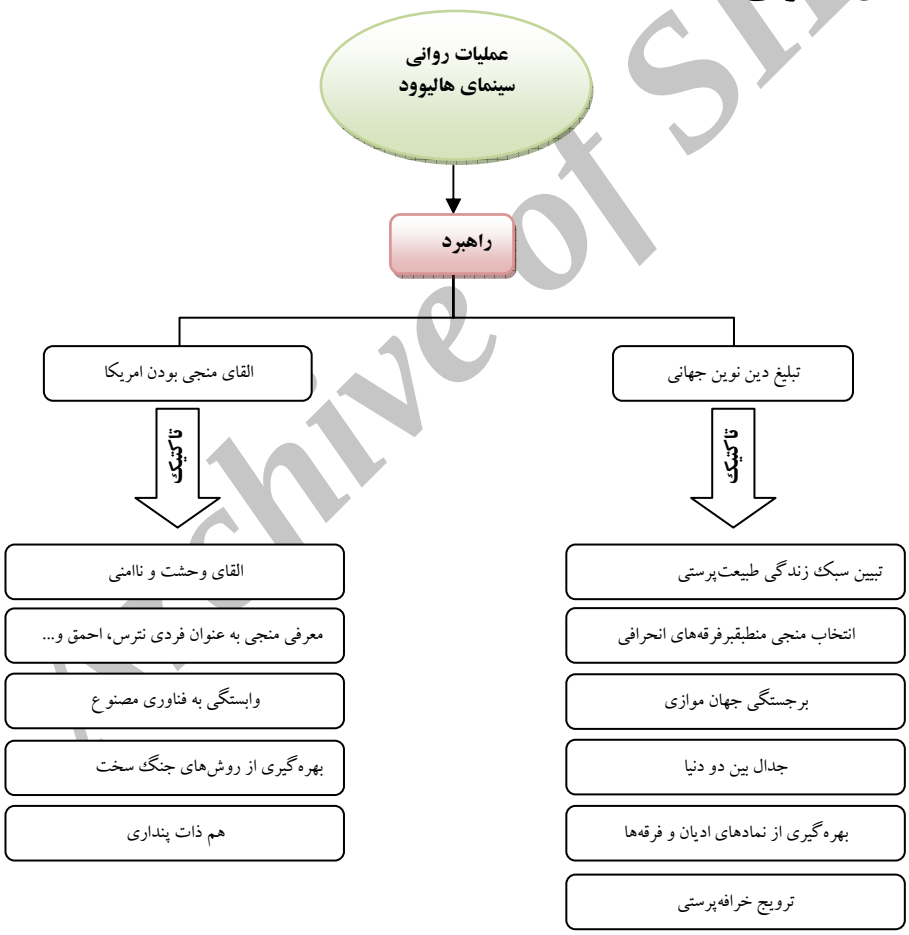

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های راهبردی غربیان در مواجهه با فراگیری اسلام ناب، رواج معنویت‌های تقلبی نوظهور و پروژه جدیدتری است که با عنوان «دین نوین جهانی» مشهور شده است و می‌توان از «قباله» به عنوان مهم‌ترین ستون دین نوین جهانی نام برد که به اندیشه‌های صهیونیسم و اربابان جاعل دین نوین جهانی نیز نزدیک است (ابرقوئی، ۱۳۹۰).

آواتار با تأکید بر آموزه‌های الهیات طبیعی، مؤلفه‌های اصلی باور به دین طبیعی را در قالبی تأثیرگذار و قابل پذیرش به مخاطبان خود عرضه می‌کند و آنان را به سمت و سویی سوق می‌دهد که با آنچه آواتار به آنها معرفی می‌کند، زندگی روزمره خود را در همه شئون تغییر دهند و باورها، رفتارها و مناسبت‌های جدید را بپذیرند.

یکی از نکات قابل‌توجه فیلم، نحوه ورود به این جامعه است که در ابتدای فیلم می‌بینیم هر کسی نمی‌تواند به این جامعه جدید قدم بگذارد و تنها افراد برگزیده و دارای ویژگی‌های خاص می‌توانند وارد این قبیله شوند. مراحل پذیرفته شدن به عنوان یک عضو قبیله آواتارکه «اوماتیکایا» نام دارد، بسیار سخت و دشوار می‌نمایاند. سیر حضور، انتخاب شدن، تأیید و در نهایت پذیرفته شدن در قبیله، شباهت‌های زیادی با عضویت در انجمن‌های مخفی دارد. به تصویر کشیدن این روند به این سبب است که می‌خواهند با موعودگرایی آواتاریسم، اسلام را محاصره کنند و آن را در مقابل موعودگرایی شیعی قرار دهند و موضع جبهه پشت سر اسلام، یعنی مسلمانان هند، چین و... را از این زاویه مورد تهاجم قرار دهند.

یکی دیگر از موضوعات اصلی فیلم‌های هالیوودی برجسته کردن زندگی دوم و جهان موازی است. اگر جهان موازی با همان شکلی که در فیلم‌های هالیوودی وجود دارد، قبول و القا شود، دیگر کسی به جهان آخرت، معاد و توحید ایمان نخواهد داشت! نکته دیگری که باید بدان توجه کرد، اعتقاد ناوی‌ها به ایوا، شبیه خداپرستی پیروان ادیان توحیدی به نظر می‌رسد، اما چیزی نیست مگر شناخت طبیعت، شناخت روح مقدس طبیعت، باور به تناسخ و تجسد و در نهایت، هماهنگی با آهنگ و ملودی طبیعت. این آیین که الهیات طبیعی نامیده می‌شود، اقتباسی از چند جریان شبه‌دینی قدیمی از جمله عرفان سرخ‌پوستی، شمنیسم، بودیسم، هندوئیسم و البته میراث «قبّاله» است که اینان با جعل آخرالزمان موردپسند خود، تصمیم دارند موعود اصلی بشر و تفکر

Archive of SID

www.SID.ir

شیعی آخرالزمانی را به انزوا بکشند و به خیال خام خود با «پروژه آخرالزمان‌سازی هالیوودی» منجی الهی و عدالت‌آور حقیقی را به فراموشی بسپرند.

هدف نهایی این فیلم‌ها بیشتر این است: «منجی در نهایت، یک امریکایی است». این یعنی اینکه هیچ‌کدام از خرده‌فرهنگ‌ها نمی‌توانند مدافع خودشان باشند، بلکه فقط یک قهرمان امریکایی، با توجه به شایستگی‌های ذاتی انسان امریکایی می‌تواند و باید به این مقام برسد. در صورت مشاهده مکرر این قبیل فیلم‌های خرافی، مردم جهان سوم ظاهراً به امریکا و باطناً به صهیونیسم بین‌الملل حق می‌دهند که چند صباحی در این عالم فانی حکومت و سروری کنند! زیرا وقتی فاجعه عظیم رخ دهد، همین‌ها هستند که باید به داد مردم دنیا برسند و نسل انسان را از خطر نابودی برهانند.

هالیوود با استفاده از قدرت عظیم هنری و اقتصادی و ارائه فیلم‌هایی با فرمول شناخته‌شده و محبوب، به بهره‌گیری از خشونت سلطه‌ای فراگیر بر سینما پرداخته و سعی در القای ترس و ناامیدکردن انسان‌ها از آینده دارد و می‌تواند پای آنان را که به دامان ادیان الهی پناه نبرده‌اند به بستری ذهنی- روانی بازکند تا برای مقابله با آینده تاریک بشریت به نیروهای اهریمنی پناه ببرند. اساساً آخرالزمان به تصویر کشیده‌شده، بازتولید همان انگاره‌ها و روابط قدرت جامعه امریکایی است. در فیلم با یک منجی روبه‌رو هستیم که رفتارش در سطح پایین‌ترین افراد جامعه است؛ و در بعضی موارد نیز به عنوان فردی احمق معرفی می‌شود. این مسئله باعث تزریق مفاهیم دم دستی به ذهن وروح مخاطبی می‌شود که با منجی فیلم ارتباط برقرار کرده است و دیگر انتظار قداست و معنویت را از منجی آخرالزمان نخواهد داشت.

نمایش اغراق‌آمیز استفاده از فناوری در آخرالزمان که با قالب‌های مختلفی (آواتار، تجهیزات، ربات، سلاح‌های پیشرفته کشتار، وسایل استحفاظی مدرن و...) در این فیلم رخ می‌نمایاند، سعی در القای این طرز تفکر دارد که آنچه درآخرالزمان غلبه دارد فناوری، علم و دست‌ساخته‌های بشر است که علاوه بر کمک و حفاظت ممکن است اسباب نابودی او را نیز فراهم آورد و وحشت تنها ارمغان روزی ست که مصنوع بشر بر او برتری یابد.

مخاطب فیلم آواتار با توجه به به‌کارگیری فناوری‌های پیچیده، جذاب و تصاویر کم‌نظیر و سه‌بعدی به راحتی شیفته و مرعوب فیلم می‌شود و با توجه به ویژگی داستان، با فیلم هم‌ذات‌پنداری

Archive of SID

www.SID.ir

می‌کند. آنچه در تماشای فیلم رخ می‌دهد، رها شدن ناخودآگاه ذهن و روان از زنجیرهای واقعیت و پرواز آزادانه در همانندسازی و هم‌ذات پنداری با برخی از شخصیت‌های فیلم است.

پیشنهادها

- راهبرد رسانه‌ای تقابل با پروژه عظیم دین نوین جهانی طراحی شود. سیستم‌های فرهنگی و نظارتی با اتکا بر جریان‌شناسی این پروژه، بر محصولات رسانه‌ای که حاوی این آموزه‌ها هستند، نظارت کنند.
- با توجه به اینکه این فیلم سعی دارد سبک زندگی منطبق بر طبیعت را تبیین کند، پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم دینی و دفاع مقدس، الگوهای سبک زندگی ایرانی- اسلامی معرفی و با تولید برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری ترویج شود.
- دانشگاه و مراکز تحقیقاتی علمی با تمرکز بر بحث مهدویت تأسیس شود تا در موضوعات مختلف سیاسی، فرهنگی، هنری و علمی به تربیت دانشجو و کارشناس بپردازد.
- شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ملی و بین‌المللی متمرکز در این موضوع با رویکردهای علمی، هنری و آگاهی‌بخشی در ارتباط با مهدویت و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) راه‌اندازی شود. تا با تولید و پخش برنامه‌های معرفتی به‌منظور شناخت عمیق مهدویت و آخرالزمان فعالیت کنند.
- از آنجا که هالیوود سعی دارد با تولید کارتون و انیمیشن‌های جذاب با موضوع آخرالزمان و توزیع آن در سراسر جهان، کودکان را از همان ابتدا تحت تربیت و آموزش منطبق بر الگوهای خود قرار دهد، لازم است تحقیقی درباره روش‌های هالیوود در القای مهدویت‌ستیزی به کودکان در تولیدات انیمیشنی انجام شود.

Archive of SID

www.SID.ir

فهرست منابع

۱. ابرقویی، محمد (۱۳۹۰). **مجله فرهنگ پویا**. دفتر پژوهش‌های فرهنگی قم. وابسته به مؤسسه امام خمینی(ره).

۲. باگدیکیان، بن اچ (۱۳۸۵). **انحصار نوین رسانه‌ای**، ترجمه علیرضا عبادتی، تهران: روایت فتح.

۳. پورسیدآقائی، محسن؛ محمد عمرانی و مهدی قاسم‌زاده (۱۳۸۹). «راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، براساس مدل swot». **فصلنامه مشرق موعود**. تهران.

۴. تامسون، کریستین و دیگران (۱۳۸۳). **تاریخ سینما**، روبرت صافاریان، تهران: مرکز، چاپ اول.

۵. گومری، داگلاس (۱۳۸۱). «هالیوود به مثابه صنعت». ترجمه حمید محرمیان معلم، **مجله ارغنون**، ش ۲۰.

۶. جعفری، جواد (۱۳۹۰). **مهدویت؛ پرسش‌ها و پاسخ ها**، قم: مؤسسه آینده روشن.

۷. زارعیان، داود (۱۳۸۶). **شناخت افکار عمومی**. تهران.

۸. سمتی، محمدمهدی (۱۳۸۵). **عصر سی ان ان و هالیوود**، ترجمه نرجس خاتون براهوئی، تهران: نشر نی.

۹. سورین، تانکارد؛ جی ورنر و دبلیو جیمز (۱۳۸۸)، «نظریه‌های ارتباطات»، ترجمه دکتر علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. شیرازی، محمد (۱۳۸۰). **جنگ روانی و تبلیغات**. تهران: دبیرخانه نخستین همایش بررسی نقش تبلیغات در جنگ.

۱۱. شاه‌حسینی، مجید (۱۳۸۲). **فصلنامه کتاب نقد**. ش ۳۲. تهران.

۱۲. شفیعی سروستانی، **بلخاری، پیشگویی‌ها و آخرالزمان**، تهران: هلال.

۱۳. صفاتاج، مجید، (۱۳۸۷). **سینمای سلطه** (هنر هفتم)، چاپ اول. تهران: سفیر اردهال.

۱۴. علوی طباطبایی، سیدابوالحسن (۱۳۸۶). **هالیوود و فرجام جهان**، تهران: هلال.

۱۵. ونه‌ای مجتبی (۱۳۸۷). «هالیوود در تسخیر صهیونیسم»، **موعود نامه**.

۱۶. فیسک، جان (۱۳۸۶). «فرهنگ و تلویزیون»، ترجمه مژگان برومند. **مجله ارغنون**، ش ۱۹.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۷. کاویانی، آرش (۱۳۸۳). **سومین معبد**. ش ۴۶. تهران: موعود.

۱۸. کینزبرگ، آیرا (۱۳۷۹). **فرهنگ کامل فیلم**، ترجمه رحیم قاسمیان. چاپ اول. تهران: حوزه هنری.

۱۹. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۵). **فصلنامه رسانه**، س ۷، ش ۲.

۲۰. مستغاثی، سعید (۱۳۸۶). آخرالزمان در سینمای امروز. ش ۸۱. تهران: **مجله موعود**.

۲۱. موسوی بجنوردی، سیدکاظم (۱۳۶۷). **دائره المعارف اسلامی**، تهران: مرکز دائره المعارف اسلامی.

۲۲. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۹). **نظریه‌های رسانه**، تهران: همشهری.

۲۳. بهمه محمدجواد (۱۳۸۹). **بازتاب سیاست خارجی امریکا در هالیوود پس از ۱۱ سپتامبر**، دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسی ارشد.

۲۴. سر خیل، زهرا (۱۳۹۱). **بازنمایی آخرالزمان در سینمای هالیوود**، دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسی ارشد.

۲۵. صادق‌پور خامنه، راضیه (۱۳۹۰). **بررسی جامعه‌شناختی عوامل اصلی گرایش به اندیشه منجی‌گرایی در جوامع مدرن**، دانشگاه علوم انسانی و اجتماعی تبریز، کارشناسی ارشد.

سایت‌ها

www. alvadossadegh. com/fa/index. php

www. mashregnews. ir/fa/news/179110

monji110. blogfa. com

شاه‌حسینی، مجید (۱۳۸۱). «تصویر منجی در رسانه‌های غرب». www. noormags. com

www. rasa. ir

کاویانی، محمود (۱۳۸۹). www. rajanews. com/detail. asp?id=54278

shamsevelayat. ir

مستغاثی، سعید (۱۳۸۸). «رقصنده با پرنده‌ها». http:smostaghaci. persianblog. ir

دانشوری نسب، عبدالحسین (۱۳۸۸). http:anthropology. ir

http://islamtimes. org

Archive of SID

www.SID.ir